

جلسه ۱۲: تثنیه ۲۷-۳۰

دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۱۲، تثنیه ۲۷ تا ۳۰ است.

مقدمه و معاهدات سوزرین-واسال

ما به فصل‌های ۲۷ تا ۳۰ نگاه می‌کنیم. حال، ما تازه بخش قوانین را تمام کردیم، و بنابراین فقط برای قرار دادن تصویر کلی تثنیه در کتاب بزرگتر، همانطور که ممکن است در همان ابتدا به یاد داشته باشید، وقتی در مورد ساختار تثنیه صحبت کردیم، آن را به چندین روش مختلف نامگذاری کردیم تا بتوانیم در مورد سازماندهی کتاب تثنیه صحبت کنیم. یکی از آنها پیمان ارباب-رعیت بود.

و ما به طرح کلی اساسی معاهدات هیتی و آشوری که یافت شده‌اند و اینکه چگونه به نظر می‌رسد بسیار شبیه به نحوه سازماندهی کتاب تثنیه هستند، نگاهی انداختیم. خب، بخشی از آن معاهده، فهرست کردن موارد، شروطی است که هر دو طرف بر سر آنها توافق می‌کنند. این همان چیزی است که ما در قانون، فصل‌های ۱۲ تا ۲۶، به آن پرداختیم.

حالا وارد بحث برکات و لعنت‌ها شده‌ایم. خب، چه اتفاقی می‌افتد وقتی که رعیت مطیع پیمان است یا وقتی که از آن جدا می‌شود و از پیمان سرکشی می‌کند؟ بخشی از ساختار قانون، تصویب پیمان یا دوباره خواندن پیمان با صدای بلند است. گاهی اوقات سالانه، مردم باید بلند می‌شدند و این پیمان را تکرار می‌کردند و به خودشان یادآوری می‌کردند. خب، ما این را در این باب‌ها هم داریم، بنابراین تثنیه تا حدودی این دو چیز را با هم ترکیب می‌کند. بنابراین، ابتدا به باب‌های ۲۷ و ۲۸ می‌رویم و سپس به باب‌های ۲۹ و ۳۰ می‌پردازیم.

تثنیه ۲۷

بنابراین، در باب ۲۷ متوجه خواهیم شد که کمی وقفه در جریان و ساختار کتاب وجود دارد. در واقع، اگر از باب ۲۶ مستقیماً به باب ۲۸ برویم، بسیار روان‌تر خواهد بود. در هر دو باب، موسی گوینده اصلی است او کسی است که بلند می‌شود و دستورالعمل می‌دهد، به نظر می‌رسد باب ۲۷ کمی عقب‌نشینی می‌کند و تا حدودی نامتناسب است. اما باب ۲۷ همان باب است که به ما دستورالعمل‌هایی را می‌دهد که قرار است بنی‌اسرائیل هنگام ورود به سرزمین موعود انجام دهند.

نصب سنگ‌های بزرگ روی ایبال

بنابراین، از فصل ۲۷، آیه اول، می‌گوید: «سپس موسی و همه بزرگان اسرائیل.» بنابراین، اکنون ما تغییر کرده‌ایم و در این شخص ثالث هستیم. این دست ویراستار است که در این بخش از فصل کاملاً آشکار به نظر می‌رسد. «پس، سپس موسی و بزرگان اسرائیل به مردم دستور دادند و گفتند: «تمام احکامی را که امروز به شما می‌دهم، نگه دارید. بنابراین، در آن روزی که از اردن به سرزمینی که خداوند، خدای شما، به شما می‌دهد عبور می‌کنید، سنگ‌های بزرگی برای خود برپا کنید و آنها را با آهک بپوشانید و هنگام عبور، تمام کلمات این قانون را بر روی آنها بنویسید. تا بتوانید به سرزمینی که خداوند، خدای شما، به شما می‌دهد، سرزمینی که با شیر «و عسل جاری است، وارد شوید، همانطور که خداوند، خدای پدرانانتان، به شما وعده داده است»

«بنابراین، اگر در آیه ۲، وقتی که می‌گوید: «در آن روز که از اردن عبور می‌کنید، چنین خواهد شد لحظه‌ای مکث کنیم، همه چیز بسیار فوری به نظر می‌رسد. به محض اینکه از اردن عبور کردید، به محض اینکه پاهایتان در خشکی قرار گرفت، این کاری است که باید انجام دهید. سنگ‌هایی برپا کنید و این کلمات را روی سنگ بنویسید. این طوری به نظر می‌رسد که به محض اینکه پاهایشان را روی خشکی در آن سوی اردن گذاشتند، باید این کارها را انجام دهند.

حالا وقتی به آیه ۴ می‌رسیم، می‌گوید: «پس، وقتی از اردن عبور می‌کنید، بر کوه عیبال مستقر خواهید شد.» بنابراین، تشخیص می‌دهد که وقتی از اردن بر فراز کوه عیبال عبور می‌کنید، این مراسم قرار است برگزار شود. خب، عیبال یک سفر یک روزه، یک روزه و نیم روزه خوب است، و اگر تاریخ یوشع و داوران را بخوانید، می‌دانید که ورود بنی‌اسرائیل به سرزمین موعود کمی طول می‌کشد. آنها باید برای ورود به سرزمین موعود بجنگند. بنابراین، باید این بازه زمانی را با کمی تردید بخوانیم. بنابراین، به نظر می‌رسد فوری است، اما در اینجا بیشتر یک مسئله اولویت است. بنابراین، نه بلافاصله به محض اینکه پاهایتان روی زمین خشک قرار گرفت، این باید در اولویت ذهن شما باشد. به محض اینکه وارد سرزمین موعود شدید، تصویب عهد برای شما مهم خواهد بود.

حالا چرا باید سنگ‌های بزرگ را برپا کنند و روی آنها را با گچ بپوشانند؟ خب، شاید به چند دلیل بگذارید اول تصویری از سنگ‌ها را به شما نشان دهم. اینها سنگ‌ها نیستند. ما سنگ‌های عیبال و جرزیم را نداریم؛ این سنگ‌های خاص مورد بحث هستند. اما مکان‌های دیگری در این سرزمین داریم که سنگ‌های بسیار بزرگی در آنها پیدا شده است. و بنابراین، فقط به عنوان یک مثال بصری، می‌خواهم تصویری را به شما نشان دهم.

این از جای دیگری در کشور است، و این سنگ‌های بزرگ در واقع به قبل از بنی‌اسرائیل برمی‌گردند. بنابراین، اینها به زمان ابراهیم، اسحاق و یعقوب بسیار نزدیکتر از زمان ورود بنی‌اسرائیل به سرزمین هستند. اما آنچه می‌توانید ببینید، به خصوص اگر افراد حاضر در تصویر را با سنگ‌های بزرگ پشت سرشان مقایسه کنید، می‌توانید ببینید که چقدر بزرگ هستند. احتمالاً این نوع سنگی است که در اینجا برای این مراسم خاص در مورد آن صحبت می‌شود. بنابراین، سنگ‌های بزرگ را برپا کنید.

حالا، چرا سنگ؟ خب، شاید چند دلیل داشته باشد، یکی اینکه چشمان شما فوراً به سمت سنگ‌های موجود در تصویر کشیده می‌شوند، زیرا آنها در منظره غیرمعمول هستند. بنابراین، خیلی طول نمی‌کشد که وقتی در حال قدم زدن هستید، متوجه سنگی به آن اندازه شوید که به صورت عمودی ایستاده است. به نظر غیرمعمول می‌رسد. بنابراین، به عنوان یک نشانگر حافظه بسیار خوب برای شما عمل می‌کند.

و بعد کلمات این آموزه را دارید که روی آن سنگ نوشته شده است. خب، این کلمات اینجا روی گچ نوشته شده‌اند تا بتوانید به وضوح ببینید که کلمات برای ما چیزهای مهمی هستند که باید به خاطر بسپاریم. و این، آموزه‌ها که روی سنگ نوشته شده‌اند، همچنین دلالت بر اقتدار پایدار این کلمات دارند.

بنابراین، روی سنگ بنویسید. حالا این کلمات این آموزه که نوشته می‌شوند چیست؟ دانستن آن برای ما دشوار است. کلمات زیادی می‌توانند روی چنین سنگی جا شوند. در واقع، ما قوانین حمورابی را داریم، و او یک سنگ یادبود بسیار بزرگ هم دارد که تمام قوانینش روی آن نوشته شده است. و کلمات روی آن سنگ یادبود بیشتر از کلماتی است که در کتاب تثنیه وجود دارد. بنابراین، ممکن است کل کتاب تثنیه روی آن سنگ یادبود نوشته شود.

یا می‌تواند فقط آموزه‌های قانون از ۱۲ تا ۲۶ باشد. دانستن آن برای ما دشوار است، اما ما اصل اهمیت این جشن را درک می‌کنیم. بروید، چیزی را برپا کنید که در خط افق بسیار آشکار شود، اقتدار پایداری که کلمات این آموزه دارند.

بنابراین، اگر دوباره به متن برگردیم، در آیه ۴، «بنابراین، هنگامی که از اردن عبور می‌کنی، این سنگ‌ها را همانطور که امروز به تو فرمان می‌دهم، بر کوه عیبال برپا کن و آنها را با آهک بپوشان. علاوه بر این، در آنجا برای یهوه خدای خود، قربانگاهی از سنگ بنا کن. نباید از ابزار آهنی بر روی آنها استفاده کنی، بلکه قربانگاه یهوه خدای خود را از سنگ‌های نتراشیده بساز و بر روی آن برای یهوه خدای خود قربانی‌های سوختنی تقدیم کن و قربانی‌های سلامتی را در آنجا ذبح کن و در حضور یهوه خدای خود شادی کن.»

باز هم، یکی دیگر از آن اشارات را دریافت می‌کنیم که این جشن‌های مذهبی واقعاً جشن، ضیافت و جشنواره هستند. آنها مردمی هستند که دور هم جمع می‌شوند و با خدا در میان خود غذا می‌خورند.

بنابراین، کمی استراحت می‌کنیم. یک بار دیگر دست ویراستار را می‌گیریم. و حالا به نظر می‌رسد که موسی و بزرگان بار دیگر در ضلع شرقی رود اردن ایستاده‌اند. "سپس موسی و کاهنان لاوی با تمام اسرائیل صحبت کردند و گفتند: "ساکت باشید و گوش دهید، ای اسرائیل. امروز، شما امروز قومی برای خداوند، خدای خود شده‌اید." نکته جالب، همانطور که می‌توانستیم بگوییم اما نکردیم، این است که آنها در کوه سینا قوم خداوند خدای خود می‌شوند. خب، کوه سینا محل اصلی اعطای عهد بود. اکنون، ما موسی و بزرگان را داریم که در ضلع شرقی اردن ایستاده‌اند و می‌گویند: "امروز شما شده‌اید"، که باعث شده بسیاری از محققان بگویند که باید یک مراسم تصویب عهد وجود داشته باشد که در آنجا در ضلع شرقی اردن اتفاق می‌افتد. اما سپس، وقتی آنها به سرزمین می‌روند و در عیبال و جرزیم ایستاده‌اند، بار دیگر عهد را تصویب می‌کنند و در آن روز، آنها خواهند شد. مسئله این نیست که آنها قبلاً قوم خدا نبودند، بلکه این در ذهن مردم تثبیت می‌شود که من امروز با این عهد هستم تا خاطره‌ای ماندگار در آینده داشته باشم. امروز، شما قوم خدا هستید.

تصویب پیمان در مورد ایبال و جرزیم

بنابراین، در آیه ۱۱، «موسی همچنین در آن روز به مردم دستور داد و گفت: وقتی از اردن عبور می‌کنید، اینها باید بر کوه جرزیم بایستند تا مردم را برکت دهند، و او شش قبیله را برای لعنت ذکر می‌کند که باید بر کوه عیبال بایستند، و شش قبیله دیگر را نیز فهرست می‌کند. بنابراین عیبال و جرزیم و من قبلاً وقتی در مورد تثبیه ۱۱ صحبت می‌کردیم، تصویری از عیبال و جرزیم را به شما نشان دادیم. ما در مورد اینکه چقدر مهم است که عهدی را که بنی‌اسرائیل با خدای خود بسته‌اند، در ذهنشان به تصویر بکشیم تا چیزی بصری در سرزمین خود داشته باشند که هر بار که از عیبال و جرزیم عبور می‌کنند، برکات کوه جرزیم و نفرین‌های کوه عیبال را به یاد آورند، صحبت کردیم.»

تثبیه ۲۸-۲۹

وقتی به فصل ۲۶ می‌رسیم، فهرستی از برکات و لعنت‌ها را می‌بینیم. بنابراین، پایان فصل ۲۷ فقط لعنت‌ها را نشان می‌دهد. بنابراین، نعمت‌ها را از قلم انداخته است.

بنابراین، ما قصد داریم به فصل ۲۸ برویم. بنابراین در فصل ۲۸، ما به ۲۸ و همچنین ۲۹ با هم نگاه می‌کنیم. در واقع می‌توانیم این اطلاعات را به دو روش مختلف سازماندهی کنیم. نعمت‌ها و لعنت‌ها وجود دارند اما وعده‌ها و تهدیدهایی نیز وجود دارند. و متوجه خواهیم شد که این نعمت‌ها و لعنت‌ها، بسیاری از آنها مربوط

به کشاورزی هستند. بسیاری از آنها به نوعی به زمین مربوط می‌شوند - این نعمت. حال، این نباید برای ما تعجب‌آور باشد، زیرا همانطور که تثنیه را بررسی کرده‌ایم، بسیاری از نعمت‌هایی که مردم از خدا دریافت می‌کنند، هدیه‌ای از زمین آنهاست. بنابراین، ما این را به جلو می‌کشیم، که این سرزمین چقدر می‌تواند عالی و شگفت‌انگیز باشد. می‌تواند نوعی عدن باشد که در آن همه چیز به روشی که خدا می‌خواهد سازماندهی شده باشد

بخشی از آن به این مربوط می‌شود که زمین مانند عدن، محصول بدهد. بنابراین، ما این تصویر را در تثنیه می‌بینیم، آنچه تاکنون دیده‌ایم، پتانسیل زمین می‌تواند به گونه‌ای باشد که رابطه بین خدا و قومش، مردم و سایر مردم اطراف آنها، و مردم با زمین، همگی با هماهنگی با هم کار کنند

و، بنابراین، وقتی به نعمت‌ها و نفرین‌ها می‌رسیم، نباید از اینکه زمین در اینجا دخیل است تعجب کنیم، زیرا زمین هم نعمت و هم نفرین را نشان خواهد داد. چه زمانی از زمین مراقبت می‌شود و در نتیجه ثمر می‌دهد و چه زمانی همه چیز در مورد جامعه و مکان شکسته و خرد می‌شود، که در این صورت زمین نیز از آن تقلید خواهد کرد.

بنابراین، ما این جنبه از سرزمین، یعنی محیط طبیعی را می‌بینیم. اما همچنین می‌بینیم که هنوز رابطه‌ای بین اسرائیل و ملت‌ها وجود دارد. حال، وقتی در مورد تثنیه ۴ صحبت کردیم، در واقع می‌خوانیم که چگونه اگر اسرائیل وارد سرزمینی شود و به یاد بیاورد، سرزمینی است که در وسط تمام مسیرهای تجاری قرار دارد. اگر این تصویر را به خاطر دارید، ما دوباره در ابتدای این مجموعه سخنرانی در مورد این موضوع صحبت کردیم. بنابراین، اگر اسرائیل وارد این سرزمین می‌شود و تمام مسیرهای تجاری از تمام ملت‌های اطراف از این سرزمین عبور می‌کنند، پس اسرائیل در حالت ایده‌آل می‌تواند شخصیت خدا را در صحنه جهانی منعکس کند تا دیگران بتوانند ببینند که شخصیت خدا چگونه است

بنابراین، در اینجا در فصل ۲۸، متوجه خواهیم شد که برکات و لعنت‌ها توسط گروه‌های مردمی اطرافشان مشاهده می‌شوند. بنابراین، این ایده این است که اسرائیل به صورت منزوی عمل نمی‌کند. اسرائیل در چشم‌انداز بسیار بزرگتر جهانی جایگاه بسیار خوبی دارد

نعمت‌ها و نفرین‌ها

بنابراین، بیایید در مورد این ایده فکر کنیم؛ بیایید به این ایده برگردیم که دو بخش وجود دارد، برکات و لعنت‌ها. بنابراین، این نوع برکات و لعنت‌ها چیزهایی خواهند بود که در فصل ۲۸ با آنها شروع می‌کنیم. بنابراین، چیزهایی مانند آیه سوم، "در روستا مبارک خواهی بود. در شهر مبارک خواهی بود. در روستا مبارک خواهی بود. فرزندان بدنت و محصول زمینت و فرزندان حیواناتت، بچه‌های گله‌ات و بچه‌های گله‌ات مبارک

خواهند بود. سبد و کاسه خمیرت مبارک باشند." اینها نمونه‌های خوبی از برکت هستند، بنابراین مستقیماً برکت داده می‌شوند.

خب، در مورد لعنت‌ها چطور؟ خب، در آیه ۱۶ آمده است: «در شهر ملعون خواهی بود. در صحرا ملعون خواهی بود. سبد و کاسه خمیرت ملعون خواهد بود. نسل تو و محصول زمینت، بچه‌های گله‌ات و بچه‌های گله‌ات ملعون خواهند بود.» شما مثبت و منفی دقیق، نعمت‌ها و لعنت‌ها را می‌بینید

وعده‌ها و تهدیدها

خب، ما هم این وعده‌ها و تهدیدها را داریم. بنابراین، اینها متفاوت هستند؛ پس با برکت و نفرین شروع نمی‌شوند. آنها فقط در مورد اثرات اعمال مردم صحبت می‌کنند. بنابراین، برای مثال، ما از آیه ۷ شروع می‌کنیم خداوند دشمنان شما را که علیه شما قیام می‌کنند، در برابر شما شکست خواهد داد. آنها از یک راه به سوی شما» خواهند آمد و از هفت راه از پیش شما خواهند گریخت. خداوند در انبارهای شما و هر آنچه که دست خود را به آن دراز می‌کنید، بر شما برکت خواهد داد. او شما را در سرزمینی که خداوند، خدای شما به شما می‌دهد، برکت خواهد داد. خداوند شما را به عنوان قومی مقدس برای خود تثبیت خواهد کرد، همانطور که برای شما قسم خورد، اگر از فرامین خداوند، خدای خود، پیروی کنید و در راه‌های او گام بردارید. بنابراین، همه مردم زمین «خواهند دید که شما به نام خداوند خوانده شده‌اید و از شما خواهند ترسید

بنابراین، شما این را می‌شنوید. اگر از این دستورات پیروی کنید، این‌ها چیزها هستند و این‌ها برکات یا وعده‌هایی هستند که به سمت شما می‌آیند. و ما دوباره این تشخیص را می‌بینیم که سایر ملت‌ها متوجه می‌شوند که یک تعامل وجود دارد. بنابراین آن ملت‌هایی که علیه اسرائیل می‌روند پراکنده خواهند شد و سایر ملت‌ها خواهند دید که خداوند قوم خود را برکت داده است.

خب، در مورد تهدیدها چطور؟ همانطور که در آیه ۲۲ می‌بینیم، چیزی داریم: «خداوند شما را با سل و تب و التهاب و گرمای سوزان و شمشیر و آفت و کپک خواهد زد و آنها شما را تا نابودی تعقیب خواهند کرد آسمانی که بالای سر شماست، برنزی خواهد شد و زمینی که زیر پای شماست، آهنی. خداوند باران سرزمین شما را پودر و غبار خواهد ساخت.» بنابراین، از فصل ۱۱ به یاد داشته باشید که خداوند کسی است که باران‌های اولیه را در آخرین باران می‌دهد. باران‌هایی که برای محصول دادن زمین لازم است. بنابراین، در این حالت باران قطع خواهد شد.

و بر شما فرود خواهد آمد تا نابود شوید. خداوند شما را در برابر دشمنانتان شکست خواهد داد. از یک راه به سوی آنها خواهید رفت، اما از هفت راه از پیش آنها فرار خواهید کرد. و شما برای همه پادشاهی‌های

زمین مایه وحشت خواهید بود.» بنابراین، همانطور که با نعمت‌ها و لعنت‌ها همراه است، با وعده‌ها و تهدیدها نیز همراه است، به شکل کشاورزی می‌آید. جای آنها متبرک می‌شود یا جای آنها ویران و نابود می‌شود. و به شکل نمونه‌ای که آنها برای ملت‌ها هستند، می‌آید. یا آنها در نبرد با ملت‌هایی که به عنوان نمونه در آنها قرار گرفته‌اند، پیروز می‌شوند یا ملت‌ها، یعنی قوم‌های زیر، آنها را احاطه کرده و شکست می‌دهند.

حالا دیگر غیر معمول نیست که پیامبران بعداً به این قوانین نگاه کنند و بگویند، اینها به ما حمله می‌کنند زیرا ما عهد خود را با خدا شکسته‌ایم. اینها پرچم‌های قرمزی هستند که قرار است بلند شوند و بگویند: «اینها علائم هشدار دهنده هستند. شما از خط خارج شده‌اید. شما باید تاریخچه اینکه خدا کیست و شما به عنوان قوم او «چه کسانی هستید را در ذهن خود بیاورید

بنابراین، آنها قرار است چیزی شبیه به سیگنال‌های هشدار دهنده از آنچه اتفاق خواهد افتاد و همچنین پیامدهای طبیعی انتخاب‌هایشان باشند.

ادامه نفرین‌ها

همین که شروع کنیم، من از اینجا می‌گذرم، کمی از انتهای فصل ۲۸ را می‌خوانم، و سپس به فصل ۲۹ می‌رسیم. در آیه ۴۵ آمده است: «پس تمامی این لعنت‌ها بر شما خواهد آمد و شما را تعقیب خواهد کرد و تا زمانی که نابود شوید، شما را فرا خواهد گرفت، زیرا شما از خداوند، خدای خود، اطاعت نکردید و فرامین و قوانین او را که به شما امر فرموده بود، نگه نداشتید. آنها برای شما و فرزندان‌تان تا ابد نشانه و علامت تعجب خواهند بود، زیرا شما خداوند، خدای خود را با شادی و دلی شاد، برای فراوانی همه چیز خدمت نکردید بنابراین، شما دشمنان خود را که خداوند علیه شما خواهد فرستاد، در گرسنگی و تشنگی و برهنگی و کمبود همه «چیز خدمت خواهید کرد. او زرده آهنین را بر گردن شما خواهد گذاشت تا شما را نابود کند

بنابراین، ما آن دو آیه را در آیات ۴۷ و ۴۸ داریم، که تضاد بین آنچه هنگام خدمت به خداوند اتفاق می‌افتد و آنچه هنگام رویگردانی از خدمت به خداوند، در نهایت خدمت به ملت‌های دیگر را در پی خواهد داشت را نشان می‌دهد.

حال، اگر قرار بود نعمت‌ها و لعنت‌ها را بشمارید، متوجه می‌شدید که بخش لعنت‌ها فوق‌العاده طولانی است. پس چرا اینطور است؟ در اینجا برابری یک به یک وجود ندارد. تأکید بر لعنت‌ها راهی برای کمک به ایجاد انگیزه در مردم برای پیروی از فرامین خداست. بنابراین، تأکید بر اینها همه چیزهایی است که به طور بالقوه می‌توانند اشتباه پیش بروند، به عنوان راهی برای گفتن: "پس لطفاً بیشتر مراقب باشید تا پیمان خود را با "خداوند، خدای خود به یاد داشته باشید"

تثنیه ۲۹ - مراسم تنفیذ - بازگویی تاریخ

هر چه به فصل ۲۹ نزدیکتر می‌شویم، اطلاعات بیشتری در مورد این مراسم تنفیذ که باید برگزار شود، داریم. قرار است هر بنی اسرائیلی در این مراسم شرکت کند. فقط مردان نیستند. فقط زمین‌داران نیستند. فقط ثروتمندان نیستند. نماینده جامعه نیستند. کل جامعه است.

و این تشخیص وجود دارد، همانطور که تثنیه در سراسر کتاب به آن اشاره کرده است که اسرائیل ممکن است شکست بخورد. بنابراین، ما قبلاً، دوباره در فصل ۲۹، این ایده را داریم که اسرائیل احتمالاً در میان خود از شناخت خدا باز خواهد ماند، و سپس این تضاد را با سدوم و عموره و وعده تبعید خواهیم داشت.

بنابراین، بیایید نگاهی به آنها بیندازیم. بنابراین، در فصل ۲۹، «اینها سخنان عهده‌ای است که خداوند به موسی دستور داد با بنی اسرائیل در سرزمین موآب ببندد، علاوه بر عهده‌ای که با آنها در حوریب بسته بود. موسی تمام بنی اسرائیل را احضار کرد و به آنها گفت: «شما هر آنچه را که خداوند در سرزمین مصر با فرعون و همه بندگان و تمام این سرزمین انجام داد، در برابر چشمان خود دیده‌اید، آزمایش‌های بزرگ را با چشمان خود دیده‌اید، آن آیات و شگفتی‌های بزرگ را دیده‌اید.» این باید برای شما بسیار آشنا باشد. همانطور که ما در کتاب تثنیه کار کرده‌ایم، این چیزی بوده است که ما به طور مداوم به آن نگاه کرده‌ایم و گفته‌ایم، خدا خدای جنگجوی آنهاست. او قبلاً این کارهای بزرگ را انجام داده است. آنها فقط باید به خاطر داشته باشند

با این حال، تا به امروز، خداوند به شما قلبی برای دانستن، چشمی برای دیدن و گوشی برای شنیدن» «نداده است. من چهل سال شما را در بیابان هدایت کرده‌ام. لباس‌هایتان پاره نشده و کفش‌هایتان پاره نشده است. بنابراین، دوباره به فصل ۸ تثنیه اشاره می‌شود.

نان نخورده‌اید، شراب و مسکرات ننوشیده‌اید تا بدانید که من خداوند، خدای شما هستم. وقتی به اینجا» رسیدید، سیحون، پادشاه حشبون، و عوج، پادشاه باشان، برای جنگ به استقبال ما آمدند، اما ما آنها را شکست دادیم و سرزمینشان را تصرف کردیم و آن را به رثوبینیان، جادیان و نیمی از قبیله منسیان به ارث دادیم. پس «این کلام عهد را نگه دارید تا به آنها عمل کنید تا در هر کاری که انجام می‌دهید، موفق شوید»

بنابراین، ما کم‌کم داریم می‌بینیم که چگونه این فصل‌های پایانی تثنیه، مضامینی را که در فصل‌های اول تثنیه دیده بودیم، در خود جای می‌دهند. بنابراین، با بازگویی تاریخ قوم، به نوعی به این نتیجه‌ی خوب می‌رسیم

به رسمیت شناختن نسل‌های آینده

بنابراین در آیه دهم آمده است: «امروز همه شما در برابر خداوند، خدایتان، بزرگان، قبایل، بزرگان افسران، حتی مردان اسرائیل، کودکان، زنان و غریبانی که در اردوگاه‌های شما هستند، از کسی که هیزم می‌شکند تا کسی که آب شما را می‌کشد، بایستید تا با خداوند، خدایتان و سوگندی که خداوند، خدایتان امروز با شما می‌خورد، پیمان ببندید تا شما را به عنوان قوم خود تثبیت کند. و آنگاه او خدای شما باشد، همانطور که با شما سخن گفت و برای پدرانتان، ابراهیم، اسحاق و یعقوب، سوگند یاد کرد. اکنون، من این عهد و سوگند را تنها با شما نمی‌بندم، بلکه با کسانی که امروز در حضور خداوند، خدای ما، اینجا با ما ایستاده‌اند و با کسانی که هنوز امروز در اینجا با ما نیستند.» بنابراین، برای نسل‌های آینده به رسمیت شناخته شده است

همینطور که از پایین می‌رویم، کم‌کم به این شناخت می‌رسیم که بنی اسرائیل ممکن است بی‌وفا باشند و وقتی این کار را می‌کنند، عواقبی برای آن وجود دارد. و حالا، می‌خواهیم به ایده سدوم و عموره بپردازیم. پس بگذارید آن را بخوانم و کمی در مورد آن بخش صحبت کنیم.

سدوم و عموره به موازات هم

بنابراین، من از آیه ۲۲ شروع می‌کنم: «اکنون نسل آینده، پسران شما که پس از شما قیام خواهند کرد و، غریبی که از سرزمین دور می‌آید، وقتی بلایای زمین و بیماری‌هایی را که خداوند به آن مبتلا کرده است ببیند خواهد گفت: «تمام زمین آن گوگرد و نمک است، ویرانه سوزان، ندوخته و بی‌حاصل و هیچ علفی در آن نمی‌روید، مانند سرنگونی سدوم و عموره، ادمه و زبولون که خداوند در خشم و غضب خود آنها را سرنگون کرد. و همه ملت‌ها خواهند گفت: «چرا خداوند با این سرزمین چنین کرده است و چرا این طغیان و خشم»» عظیم؟

بنابراین، آنچه در این آیه می‌بینیم، باز هم این ایده است که اسرائیل در صحنه بین‌المللی بسیار بزرگتری قرار دارد که سایر ملت‌ها خواهند آمد و آن را خواهند دید. اما این بار، به جای اینکه بیابند و ببینند که چگونه اسرائیل خدای خود را منعکس می‌کند، می‌آیند و سرزمینی ویران شده، سرزمینی از گوگرد و نمک را می‌بینند. بنابراین، گوگرد و نمک کاملاً نقطه مقابل سرزمین شیر و عسل هستند. این سرزمینی بی‌حاصل است. بنابراین، به جای این سرزمین که باید سرزمین فراوانی باشد، این سرزمین ویران شده خواهد بود.

اشاره به سدوم و عموره نیز بسیار جالب است. این اشاره‌ی کوتاهی به پیدایش ۱۴ است. یعنی بازگشت به ابتدای اسفار پنجگانه. بنابراین، پیدایش ۱۴ و سایر فصل‌های پس از آن، سدوم و عموره و فعالیت‌های مردم در سدوم و عموره را شرح می‌دهند.

اگر بخواهیم سدوم و عموره را با جزئیات کامل مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که وقتی خدا به ابراهیم می‌گوید که قصد دارد سدوم و عموره را نابود کند، به دلیل فریاد مظلومان است. بنابراین، ما به سدوم و عموره فکر می‌کنیم، و گاهی اوقات مردم گناهان جنسی را با آنها مرتبط می‌دانند، که می‌تواند بخشی از این قضیه باشد اما به این دلیل است که آنها به مردم ظلم کرده‌اند، و یک سیستم اقتصادی ناعادلانه وجود دارد که برقرار شده است. و به همین دلیل، فریاد مظلومان، درست مانند فریاد بنی‌اسرائیل زمانی که قبل از مصر مورد ظلم قرار گرفتند، بالا رفته است. بنابراین، این اشاره به سدوم و عموره در اینجا به زمانی اشاره دارد که بنی‌اسرائیل به سرزمین خود وارد می‌شوند، سرزمینی که باید مرفه و پربرابر باشد. اگر آنها وارد شوند و از دستورات خدا، پیروی نکنند،

فریادهای ستم‌دیدگان شنیده خواهد شد، و خداوند همانطور که در طول تاریخ پیوسته پاسخ داده است، پاسخ خواهد داد. و حتی سرزمین آنها، این هدیه زمینی که به بنی‌اسرائیل داده شده است، از آنها گرفته خواهد شد.

نتیجه‌گیری امیدوارکننده - تثنیه 30

اگر قرار بود کتاب تثنیه اینجا با فصل ۲۹ تمام شود، واقعاً پایان غم‌انگیزی برای کتاب می‌بود. بسیار ناامیدکننده به نظر می‌رسد و انگار هیچ چیزی برای تکیه کردن وجود ندارد. انگار با ناتوانی در تشخیص خدا در میان قومش به پایان می‌رسانیم.

اما امیدی هست. بنابراین، درست مانند پیامبران اخیر، آنها همیشه در مورد خطر بالقوه‌ای که در دسترس است صحبت خواهند کرد. یک ویرگول وجود دارد، اما امیدی که قرار است بیاید و در فصل 30، آیا این امید برای ماست؟

بنابراین، وقتی به فصل ۳۰ نگاه می‌کنیم، چیزی که خواهیم دید این است که امیدی اصلاح‌شده وجود دارد زیرا بازسازی امکان‌پذیر است. و در دو آیه اول، به این کلمات توبه، بازگشت و بازسازی توجه خواهیم کرد زیرا این سه کلمه در نهایت سه‌گانه‌ای کلیدی از ایده‌ای هستند که در سراسر بقیه کتاب‌های عهد عتیق، از طریق انبیا گرفته تا پایان کتاب، حتی تا ملاکی، که آخرین کتاب قبل از ورود به عهد جدید است، تکرار می‌شود.

ختنه قلب

ما دوباره به ختنه قلب نگاه خواهیم کرد. حال، ما قبلاً این را دیده‌ایم، به این نگاه کردیم، و در فصل ۱۰ تثنیه در مورد این صحبت کردیم، جایی که مردم فراخوانده شدند تا قلب‌های خود را ختنه کنند تا فروتن باشند. اما

در اینجا، خواهیم دید که چگونه خدا در واقع قلب‌های آنها را ختنه خواهد کرد. بنابراین، ما به داشتن قلبی از گوشت به جای قلبی سخت و سنگی برمی‌گردیم.

و خواهیم دید که بنی‌اسرائیل را با یک انتخاب تنها می‌گذاریم، و این انتخاب بین زندگی و خیر و مرگ و شر است.

پس با من در فصل ۳۰، از آیه اول شروع کنید. «هنگامی که همه این چیزها، یعنی برکت‌ها و لعنت‌هایی که پیش روی تو گذاشته‌ام، بر تو نازل شود و آنها را به یاد آوری، چنین خواهد شد.» کلمه عبری در واقع یکی است؛ مانند یک حرکت انحرافی، بازگشت به سوی خود. بنابراین، این تشخیص این است که گمراه شده‌ای. «هنگامی که به عقل خود بازگردی، در تمام ملت‌هایی که خداوند، خدای تو، تو را به آنجا تبعید کرده است، و به سوی خداوند، خدای خود بازگردی و با تمام قلب و روح خود، مطابق هر آنچه امروز به تو فرمان می‌دهم، تو و پسرانت، از او اطاعت کنید. آنگاه خداوند، خدای تو، تو را از اسارت باز خواهد گرداند و بر تو رحم خواهد کرد و تو را از میان تمام قوم‌هایی که خداوند، خدای تو، تو را در آنجا پراکنده کرده است، دوباره جمع خواهد کرد.» این آیه طنینی از فصل ۳ ارمیا دارد.

اگر رانده‌شدگان شما در انتهای زمین باشند، از آنجا، خداوند، خدایتان، شما را گرد هم خواهد آورد. و از آنجا، شما را باز خواهد گرداند.» هیچ فاصله‌ای آنقدر دور نیست، که فراتر از دسترس خدا نباشد تا قوم خود را به عقب برگرداند و این بازگشت را به قوم خود ارائه دهد.

در آیه ۶ آمده است: «علاوه بر این، خداوند، خدای شما، دل شما و دل فرزندانان را مختون خواهد ساخت تا خداوند، خدای خود را با تمام قلب و تمام جان خود دوست بدارید تا زنده بمانید

کلام خدا به قومش داده شده است

می‌خواهم به آیه ۱۱ بروم. در آن آمده است: «زیرا این حکمی که امروز به شما می‌دهم، برای شما دشوار و دور از دسترس نیست. در آسمان نیست که بگویید: چه کسی برای ما به آسمان می‌رود و آن را برای ما می‌آورد و به ما می‌شنود تا آن را رعایت کنیم، و نه در آن سوی دریا است که بگویید چه کسی برای ما از دریا عبور می‌کند تا آن را برای ما بیاورد و به ما بشنود تا آن را رعایت کنیم؟»

بنابراین، این قانون چیزی است که در واقع امکان اجرا دارد، و دستورات خدا یا چیزی پنهان است. آنها مرموز نیستند. شما لازم نیست از جادوگران یا وردها استفاده کنید یا پیامبران دروغین داشته باشید که بروند و جستجو کنند و سعی کنند اسرار را بفهمند تا آنها را برای شما بیاورند. در مقابل، خدا با قوم خود صحبت کرده

است. او قانون، آموزه‌ها و بزرگترین نکات خود را در مورد چگونگی زنده ماندن و تحقق یافتن توسط بشریت در این مکانی که به آنها می‌دهد، داده است. او آن را به آنها داده است. بنابراین آنها مجبور نیستند اسرار زندگی را جستجو کنند. بنابراین، این ایده وجود دارد. همین جا است. درست جلوی شما ملموس است

شناخت خیر و شر و انتخاب آنها

بنابراین، در آیه ۱۴. «اما این کلام بسیار نزدیک شماست، در دهان و در قلب شماست تا آن را حفظ کنید. اینک، امروز حیات و سعادت، و مرگ در سختی را پیش روی شما قرار داده‌ام.» خب، این ترجمه من است، و کنجاوم که ترجمه شما چه می‌گوید. متن عبری واقعی این است: «امروز حیات و نیکی، مرگ و بدی». را پیش روی شما قرار داده‌ام

نه، این‌ها تضادهای جالبی هستند، چون وقتی به این فکر می‌کنیم که آخرین باری که این انتخاب خیر و شر را که به انسان‌ها ارائه می‌شود، شنیدیم، شاید فقط، شاید صدایتان در پس ذهنتان طنین‌انداز شود، مخصوصاً از آنجایی که مدام می‌گویم ارتباطاتی از پیدایش در تثبیه وجود دارد. شاید من شما را به آنجا هدایت کرده باشم اما این خیر و شر است. این در واقع ممکن است اشاره‌ای به باغ عدن باشد، زمانی که درختی از دانش خیر و شر وجود داشت و مردم در باغ حق انتخاب داشتند

و به همین ترتیب، مردم اینجا در ورودی، هنگام ورود به سرزمین، حق انتخاب دارند، و این اعمال و کاری است که انجام می‌دهند که یا به آنها زندگی خوب می‌دهد، یا مرگ و شر. و در اینجا نیز باید در نظر داشت، که مرگ و شر

می‌تواند مرگ فیزیکی باشد، اما همچنین مرگی است که از طریق تبعید و کنده شدن از مکانی که در آن ریشه دوانده‌اید، رخ می‌دهد

بنابراین، در آیه ۱۶، «از این رو، امروز به تو فرمان می‌دهم که خداوند، خدای خود را دوست بداری، در راه‌های او گام برداری، فرامین و فرایض و احکام او را نگاه داری تا زنده بمانی و افزون شوی، تا خداوند.» خدای تو، تو را در سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شدی، برکت دهد

احضار شاهدان

حالا به آیه ۱۹ می‌پردازم، چون در آیه ۱۹، شاهدانی برای این موضوع داریم که به مردم اعلام می‌شود. «پس امروز آسمان و زمین را علیه شما شاهد می‌آورم که حیات و مرگ، برکت‌ها و لعنت‌ها را پیش روی شما قرار داده‌ام. پس حیات را برگزینید تا شما و فرزندان‌تان با دوست داشتن خداوند خدایتان، اطاعت از صدای او و چسبیدن به او، زنده بمانید. زیرا این است حیات شما و طول عمر شما در سرزمینی که خداوند برای «پدرانتان، ابراهیم، اسحاق و یعقوب، سوگند یاد کرد

بنابراین، با این کار، ما قصد داریم مراسم خود را که درست در حاشیه سرزمین در حال برگزاری است، به پایان برسانیم و سپس به داخل برویم و مراسم را به عیال و جرزیم ببریم، برکت‌ها و نفرین‌ها، و این تشخیص که تشنیه می‌داند واقعی است که آنها احتمالاً از آنجا خواهند رفت

و با این حال، امید به اینکه هنوز امکان بازسازی وجود دارد، وجود دارد. بنابراین، زندگی و مرگ، خیر و شر، نعمت‌ها و نفرین‌ها روی میز هستند. این به عهدهی آنهاست که انتخاب کنند

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تشنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ۱۲، تشنیه ۲۷ تا ۳۰ است